

تحلیل مهاجرت‌های روستا-شهری و پیامدهای آن بر ناپایداری شهری، مطالعه موردی: شهر بیرجند

*زهره فنی^۱، حسینعلی خلیل‌اللهی^۲، ژایلا سجادی^۳، محمود فال سلیمان^۴

۱. دانشیار گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشگاه شهید بهشتی، ایران.

۲. دانشجوی دکتری گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشگاه شهید بهشتی، ایران.

۳. دانشیار گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشگاه شهید بهشتی، ایران.

۴. دانشیار گروه علمی جغرافیا، دانشگاه بیرجند.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۲۹

Analysis of Rural-Urban Migrations and their Impacts on Urban Unsustainability, Case Study: Birjand City

*Zohreh Fanni¹, Hosseinali Khalilollahi², Jila Sajjadi³, Mahmoud Falsoleyman⁴

1. Associate Prof. of Human Geography & Spatial Planning Department, Shahid Beheshti University, Iran.

2. Ph.D. Student of Geography & urban planning, Shahid Beheshti University, Iran.

3. Associate Prof. of Human Geography & Spatial Planning Department, Shahid Beheshti University, Iran.

4. Associate Prof. of Geography Department, Birjand University, Iran.

Received: 15/06/2017

Accepted: 20/07/2017

Abstract

The purpose of the present study was to understand the nature, type and contribution of the migration factors (repulsive, gravity, extraneous and personal) in migrating from village to the city and its impacts on the instability of Birjand city. The type of research was applied with descriptive-analytical nature, which was carried out by using surveying technique. The statistical population of the study consisted of all rural households living in Birjand, being determined by using the Cochran sample size formula, and 329 households were determined. The survey samples were selected by using random sampling method. SPSS and Excel software were applied to analyze the data. According to the results, the social implications of housing in the city showed that there were more negative social impacts for immigrants after migrating to the city. Among the impeding factors of rural migrants, socio-occupational parameters have had the greatest impact, after which economic, educational and research, cultural and religious, natural and political, factors were in the next category. Among the natural variables of "recent droughts", the most important factor was repulsion and among the economic factors "access to business and work" and "more income in the city" were the most imperative factors of attraction.

Keywords

Sustainability, Marginal areas, Drought, Urban-Rural migration, Birjand.

چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناخت ماهیت، نوع و سهم هر یک از عوامل مهاجرت (دافعه، جاذبه، تبعی و شخصی) در مهاجرت از روستا به شهر و پیامدهای آن بر ناپایداری شهر بیرجند بوده است. نوع پژوهش کاربردی با ماهیت توصیفی-تحلیلی که با استفاده از پیمایش انجام گرفت. جامعه آماری تحقیق شامل تمام خانوارهای مهاجر روستایی ساکن در شهر بیرجند بود که با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران، تعداد ۳۲۹ خانوار تعیین گردید. نمونه‌های تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. جهت تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها، از نرم افزار SPSS و Excel استفاده گردید. طبق نتایج به دست آمده، پیامدهای اجتماعی سکونت در شهر نشان داد که پیامدهای منفی اجتماعی برای مهاجرین بعد از مهاجرت به شهر بیش‌تر است. در میان عوامل دافعه مهاجرت‌های روستایی، عوامل اجتماعی-خدماتی بیش‌ترین تأثیر را داشته‌اند و بعد از آن عوامل اقتصادی، آموزشی و پژوهشی، فرهنگی و مذهبی، طبیعی و سیاسی، در رده‌های بعد قرار دارند. از میان متغیرهای طبیعی «خشکسالی‌های اخیر» مهم‌ترین عامل دافعه و در بین عوامل اقتصادی «دستیابی به شغل و کار» و «کسب درآمد بیش‌تر در شهر» مهم‌ترین عوامل جاذبه بوده‌اند.

واژگان کلیدی

پایداری، مناطق حاشیه‌ای، خشکسالی، مهاجرت‌های روستا-شهری، بیرجند.

ناهنجاری‌های متعدد شده است. به طوری که بسیاری از این خانواده‌ها از فقر و محرومیت رنج می‌برند. اغلب آن‌ها فاقد امکانات بهداشتی، تفریحی و غیره هستند. در واقع، حاشیه مورد نظر سبب ناامن شدن شهر بیرجند شده و اگر این معضل ساماندهی نشود، بحرآن‌ها ی غیر قابل حلی را باعث خواهد شد (صابری فر، ۱۳۸۸).

سجادی و همکار (۱۳۹۱)، در پژوهشی به بررسی علل مهاجرت روستائیان و پیامدهای حاصل از آن در شهرستان بوکان، دهستان ایل‌گورک، به این نتیجه رسیده‌اند که، تأثیرگذاری محدودیت‌های طبیعی و نیز مسائل اقتصادی - اجتماعی روستاها در افزایش مهاجرت‌های روستایی به طور هماهنگ است. اگر چه ۶۵/۵ درصد از جامعه نمونه نقش نارسایی‌های اقتصادی موجود در روستاها را مهمترین عامل در مهاجرت خود بیان داشته‌اند (سجادی، ۱۳۹۱).

میکانیک و همکار (۱۳۹۲)، به بررسی تأثیر خشکسالی بر روند مهاجرت و اسکان غیررسمی بیرجند پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که بخش عمده‌ای از روستائیان ساکن در سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر بیرجند به دلیل عوامل اقتصادی از جمله از بین رفتن فضای کسب و کار ناشی از دوره خشکسالی طولانی به شهر مهاجرت نموده‌اند (میکانیک و نجاتی، ۱۳۹۲).

مؤسسه توسعه اقتصادی پاکستان (۲۰۱۰)، طی یک مطالعه به بررسی مهاجرت زنان بالای ۱۰ ساله روستایی به شهرها پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که « ازدواج زنان روستایی و داشتن همسر شهری از مهمترین دلایل مهاجرت روستائیان به شهرها می‌باشد. همچنین مهاجرت سایر زنان روستایی به علت نبود فرصت‌های شغلی برای آن‌ها می‌باشد (Shahnaz, 2010: 14).

ناوین و همکار (۲۰۱۴)، در پژوهشی به بررسی آسیب‌های خشکسالی در نواحی استوایی آسیا پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که وقوع خشکسالی اثرات اجتماعی و اقتصادی زیادی مانند: کاهش عملکرد محصولات کشاورزی، بیکاری، کاهش سرمایه‌ها، کاهش درآمد، سوء تغذیه و افزایش آسیب‌پذیری جامعه در محدوده مورد مطالعه را در پی داشته است (Naveen, 2014).

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کاربردی با ماهیت توصیفی بوده است که به روش پیمایشی اجرا گردید. جامعه آماری تحقیق شامل تمام خانوارهای مهاجر روستایی ساکن در شهر بیرجند و عمدتاً ساکن در محلات فقیر و حاشیه‌ای شهر بودند. براساس سرشماری سال ۱۳۹۰، تعداد ۳۰۰۳۲ مهاجر به شهر بیرجند وارد شده که از این تعداد ۸۲۶۶ نفر (۲۲۹۶ خانوار) مهاجرین روستایی هستند. تعداد

مهاجرت، درآمد مورد انتظار مهاجر در مقصد، کارکرد باوری مهاجرت، وابستگی و مهاجرت، تحلیل توسعه نیافتگی، تأثیرات متقابل شیوه تولید سرمایه‌داری و شیوه تولید ماقبل سرمایه‌داری» که در مطالعه حاضر نظریه جذب و دفع (عوامل میانی لی^۱) بیش تر مدنظر قرار گرفته است.

طبق نظر «لی» چهار عامل عمده در مهاجرت مؤثرند: عوامل موجود در مبدأ، عوامل موجود در مقصد، موانع موجود در جریانات مهاجرت از مبدأ به مقصد و عوامل شخصی. در هر مبدأ و مقصدی یک سری عوامل مثبت (جاذبه‌ها) و عوامل منفی (دافعه‌ها) وجود دارند که در نگاه داشتن فرد در یک منطقه یا مهاجرت او مؤثرند (پاپلی یزدی و همکار، ۱۳۹۲: ۲۲۹).

از توسعه پایدار شهری تعاریف و توصیف‌های گوناگونی صورت گرفته است. یکی از تعاریف توسعه پایدار شهری عبارت است از: شکلی از توسعه امروزی که توان توسعه مداوم شهرها و جوامع شهر نسل آینده را تضمین کند (Hall, 1993: 5) و همچنین توسعه پایدار شهری به توسعه اقتصادی، اجتماعی شهری ضمن تداوم حفاظت از منابع زمینی برای نسل کنونی و آینده به مجدد ساختن بهره برداری از منابع طبیعی در حد ظرفیت سیستم‌های طبیعی و هماهنگی طرح‌های توسعه دلالت دارد» (Gottdiener; Leslie, 2005).

اهداف توسعه پایدار، همه جانبه است و تعادل اکولوژیک، عدالت اجتماعی و بقای اقتصادی را باهم و تفکیک ناپذیر می‌داند. توسعه بدون پایداری و پایداری بدون توسعه معنا ندارد (اطاعت و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۳).

شهر ناپایدار، از شرایط شهر سالم برخوردار نیست. در یک اجتماع سالم همواره این باور وجود دارد که صرف نبود بیماری نمی‌تواند مبین یک شهر سالم باشد، بلکه شهروندان یک شهر سالم باید از یک قابلیت و کیفیت زندگی بالا برخوردار باشند (Department of Human Services, 2001:1).

پیشینه تجریمی

در حوزه مهاجرت و حاشیه‌نشینی مطالعات زیادی در خارج و داخل ایران انجام شده است.

صابری فر (۱۳۸۸)، به بررسی تحلیل حاشیه‌نشینی در شهر بیرجند - مطالعه موردی منطقه کارگران پرداخت. نتایج مطالعه او نشان داد که مهاجرت‌های روستا - شهری، ضعف توان مالی ساکنان ناحیه به همراه ناتوانی مسئولان در ساماندهی این وضعیت، باعث پیدایش شکل‌گیری حاشیه مورد بررسی و بروز

1. Lee

در ۶۰ سال گذشته نرخ رشد جمعیت شهر بیرجند در مقایسه با نرخ رشد جمعیت کشور و جمعیت شهری کشور، رشد بیش‌تری داشته و یکی از مهمترین دلایل افزایش جمعیت آن مهاجرت بوده است. در صورتی که زیر ساخت‌های لازم متناسب با رشد جمعیت در شهر فراهم نشده و ساکنان از رفاه نسبی برخوردار نبوده و منجر به ناپایداری شده است.

پیامدهای مهاجرت روستا - شهری بر ناپایداری شهر بیرجند

۱. روند تحولات جمعیتی شهر بیرجند

جدول ۲، روند تحولات جمعیت شهر بیرجند را از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ نشان می‌دهد. طبق اطلاعات مرکز آمار ایران جمعیت شهر از تعداد ۱۳۹۳۴ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۲۰۳۶۳۶ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است.

جدول ۲. تحولات جمعیت کشور، جمعیت شهری کشور و شهر بیرجند از سال ۱۳۳۵ لغایت ۱۳۹۵

سال	جمعیت کشور (نفر)	نرخ رشد جمعیت کشور	جمعیت شهری کشور (نفر)	نرخ رشد جمعیت شهری کشور	جمعیت شهر بیرجند	نرخ رشد جمعیت
۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	-	۵۵۹۷۱۶۱	-	۱۳۹۳۴	-
۱۳۴۵	۱۲۵۷۸۸۷۲۳	۳/۱۳	۹۷۱۴۶۱۲	۵/۰۲	۲۵۸۵۴	۶/۴
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۲/۷۱	۱۵۸۵۴۶۸۰	۴/۹۳	۴۶۹۴۳	۶/۲
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۹۱	۳/۹۱	۲۶۹۵۲۸۹۴	۵/۴۱	۸۱۷۹۸	۵/۷
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۲/۵	۳۶۸۰۸۴۰۰	۲/۹۴	۱۲۷۶۰۸	۴/۹
۱۳۸۵	۷۰۴۹۵۷۸۲	۱/۶۲	۴۸۲۴۲۷۹۷	۲/۷۴	۱۶۶۱۳۸	۱/۹
۱۳۹۰	۷۵۱۴۹۶۶۹	۱/۲۹	۵۳۶۴۶۶۶۱	۲/۱۵	۱۷۸۰۲۰	۳
۱۳۹۵	۷۹۹۲۶۲۷۰	۱/۲۴	۵۹۱۴۶۸۴۷	۱/۹۷	۲۰۳۶۳۶	۲/۷۲

مأخذ: مرکز آمار ایران، سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵

استان خراسان جنوبی ۱۰۲/۵۶ بوده است. براساس آمار سال ۱۳۹۰، نسبت جنسی کشور ۱۰۲، استان ۱۰۰/۹، شهرستان بیرجند ۱۰۳/۹ و شهر بیرجند ۱۰۴/۱ بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). نسبت جنسی در سال ۱۳۹۵ در کشور ۱۰۲/۷ و در استان ۱۰۲/۹ بوده است. بالا بودن نسبت جنسی در شهر بیرجند ناشی از مهاجرت بیش‌تر مردان به این شهر، بوده است.

۴. تبیین توسعه فیزیکی شهر بیرجند براساس مدل هلدرن^۲

مساحت شهر بیرجند از ابتدای تشکیل خود در بالای تپه‌های مرکزی دشت تا سال ۱۳۳۵، ۵۵ هکتار و رشد فیزیکی بسیار کندی داشته است و از آن تاریخ به این سو نیز تحت تأثیر جریان‌های شهرنشینی سه دهه اخیر کشور و منطقه ابتدا به آرامی و سپس به تندی توسعه یافته و به تدریج از پوسته بافت قدیمی خارج شد در پهنه دشت بیرجند بر روی اراضی

۲. اشتغال و بیکاری

در سال ۱۳۹۵ در استان خراسان جنوبی، از جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر، ۳۲/۶ درصد در بخش کشاورزی، ۲۹/۶ درصد در بخش صنعت و ۳۷/۸ درصد در بخش خدمات اشتغال داشته‌اند و نرخ بیکاری استان ۱۳/۴ درصد بوده که در مقایسه با میزان آن در کشور بیش‌تر است. نرخ بیکاری مردان شهری استان ۸/۲ درصد بوده که در مقایسه با کشور (۱۱/۵ درصد) پایین‌تر است و نرخ بیکاری زنان شهری استان با ۳۷/۵ درصد از نرخ بیکاری زنان کشور (۲۶/۵ درصد) بالاتر است. در نقاط شهری استان ۱۳/۷ درصد در بخش کشاورزی، ۳۰ درصد در بخش صنعت و ۵۶/۳ درصد در بخش خدمات اشتغال دارند (آمارگیری نیروی کار تابستان ۱۳۹۵: ۳۹). با توجه به این که شهر بیرجند نقش و عملکرد خدماتی دارد. بالاتر بودن نرخ بیکاری استان و زنان شهری استان از کشور و زنان کشور و شهر بیرجند، حکایت از ناپایداری شهری دارد.

۳. نسبت جنسی

نسبت جنسی در سال ۱۳۷۵ در کشور ۱۰۳ و در استان خراسان جنوبی ۱۰۱/۵، در سال ۱۳۸۵ نسبت جنسی کشور ۱۰۴ و در

$$2. \text{Heldren Model} (P_t = P_0(1 + g_p)^t)$$

$$\ln \left(\frac{\text{جمعیت پایان دوره}}{\text{جمعیت آغاز دوره}} \right) + \ln \left(\frac{\text{سرفه ناخالص پایان دوره}}{\text{سرفه ناخالص آغاز دوره}} \right) = \ln \left(\frac{\text{بست دگرپایان دوره}}{\text{بست‌شهر در آغاز دوره}} \right)$$

ناپارامتری دوجمله‌ای استفاده شده است. نتایج نشان داد: در مهاجرت به شهر بیرجند در بین "عوامل طبیعی"، خشکسالی به‌عنوان عامل دافعه، در بین عوامل "آموزشی و پژوهشی"، ادامه تحصیل فرزندان خانواده در مدارس شهر، در بین "عوامل اقتصادی"، دستیابی به شغل و کار و «کسب درآمد بیشتر در شهر» به‌عنوان عامل جاذبه، در بین عوامل "اجتماعی و خدماتی" عواملی از قبیل: «وجود امکانات بهداشتی و درمانی در شهر»، «وجود امکانات رفاهی و خدماتی در شهر»، «وجود امکانات زیربنایی (آب، برق، گاز و...) در شهر»، «وجود امکانات مخابراتی، الکترونیکی و نوین در شهر» و «کسب منزلت و پایگاه اجتماعی در شهر» به‌عنوان عوامل جاذبه، در بین عوامل "فرهنگی و مذهبی"، «مناسب بودن شرایط بهتر برای تربیت فرزندان در شهر» و در میان "عوامل سیاسی"، «امنیت بیش‌تر خانوار در شهر» به‌عنوان عوامل جاذبه، بیش‌ترین تأثیر را داشته‌اند. با نتایج آزمون فریدمن، در میان عوامل دافعه‌ای مهاجرت‌های روستایی، «عوامل اجتماعی و خدماتی» بیش‌ترین تأثیر را داشته است و بعد از آن عوامل اقتصادی، آموزشی و پژوهشی، فرهنگی و مذهبی، طبیعی و سیاسی، در اولویت‌های بعدی هستند. در مجموع می‌توان گفت: که نقش عوامل دافعه‌ای روستایی در مهاجرت روستا-شهر، بیش‌تر از عوامل جاذبه شهری بوده است.

مهاجرت که خود نتیجه نابرابری‌های مکانی و بی‌عدالتی‌های منطقه‌ای است، به دلیل ویژگی‌های خاص مهاجران و علل مهاجرت پیامدهای منفی متعددی برای روستاها و شهرها به دنبال دارد که از جمله آن‌ها: تخلیه روستاها، کاهش جمعیت روستاها، ظهور و گسترش پدیده حاشیه‌نشینی، افزایش جمعیت شهر، رشد فیزیکی شهر، ناهنجاری‌های اجتماعی، مشکلات اقتصادی، محیط زیستی و در نهایت ناپایداری شهر بیرجند شده است.

راهکارها

- با توجه به یافته‌های تحقیق، پیشنهاد می‌شود:
- ✓ مهاجران روستایی، به دلیل نداشتن توان مهارتی و اقتصادی مناسب، نقاط حاشیه‌ای شهر را برای تهیه مسکن ارزان قیمت بر می‌گزینند. لذا برای ایجاد شغل، اسکان، تأمین امکانات رفاهی و خدماتی مهاجران در شهرها، سازماندهی جریان‌های مهاجرت در شهرها و همچنین ایجاد نهادی برای سازماندهی جریان‌های مهاجرت در شهرها ضرورت دارد؛
 - ✓ یکی از راهکارهای ماندگاری جمعیت در روستاها به‌خصوص در ایام خشکسالی و بیکاری، سرمایه‌گذاری و رونق صنایع دستی و ایجاد اشتغال از طریق کارهای جنبی غیر کشاورزی است؛

قبل و بعد از مهاجرت تفاوت معنادار داشته است.

- اولویت‌بندی عوامل فشار یا دافعه‌ای^۳

در میان عوامل دافعه‌ای مهاجرت‌های روستایی با استفاده از آزمون فریدمن انجام گرفت. با توجه به اطلاعات جدول ۵ و سطح معناداری به دست آمده، ملاحظه می‌شود که در میان عوامل دافعه‌ای مهاجرت‌های روستایی، «عوامل اجتماعی و خدماتی» بیش‌ترین تأثیر را داشته است و بعد از آن عوامل اقتصادی، آموزشی و پژوهشی، فرهنگی و مذهبی، طبیعی و سیاسی، در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند.

با توجه به نتایج جدول‌های ۱ و ۵، در بین عوامل دافعه‌ای مهاجرت‌ها به شهر بیرجند، خشکسالی و پیامدهای اقتصادی آن و از عوامل جاذبه‌ای، دسترسی به کار و درآمد، بیش‌ترین تأثیر را داشته است) تأیید می‌شود.

- تاثیر مهاجرت‌های منفی ناشی از تغییرات آب و هوایی (خشکسالی)، در پسرقت حوزه پسرکانه شهری و کاهش سطح پایداری توسعه شهری بیرجند:

براساس تحلیل داده‌ها (موارد ۱ تا ۱۳) پیامدهای مهاجرت روستا-شهری بر ناپایداری شهر و نتایج آزمون ناپارامتری دوجمله‌ای و آزمون ناپارامتری ویلکاکسون و نتایج جدول‌های ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵، مشخص می‌شود که مهاجرت منفی ناشی از تغییرات آب و هوایی (خشکسالی)، سبب پسرقت حوزه پسرکانه شهری و کاهش سطح پایداری توسعه شهری بیرجند شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

مهاجرت همواره پیامدهای مثبت و منفی در نواحی مهاجر فرست و نواحی مهاجرپذیر در پی دارد. شهر بیرجند با توجه به پتانسیل‌های موجود و عملکردهای گوناگون: دانشگاهی، اداری-سیاسی، آموزشی، نظامی، بهداشتی و تجاری-خدماتی به‌عنوان کانون جاذبه جمعیتی به‌خصوص جذب روستائیان عمل کرده است. نتایج توصیفی پژوهش نشان داد از ۳۲۹ خانوار نمونه آماری اکثر افراد مهاجر (۸۹/۴ درصد) جوان یا میانسال و ۱۲/۸ درصد آن‌ها بی‌سواد و ۸۲/۷ درصد مهاجرین، دارای مدرک تحصیلی دیپلم و کم‌تر هستند. نسبت جنسی مهاجرین ۹۸/۰۷ و روستاهای نزدیکتر به شهر بیرجند مهاجرت بیش‌تری و روستاهای دورتر مهاجرت کم‌تری داشته‌اند. میانگین فاصله روستاهای مهاجر فرست تا شهر بیرجند ۶۸/۹ کیلومتر است.

برای تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها و بررسی میزان تأثیر هر یک از عوامل مؤثر در مهاجرت افراد به شهر بیرجند، از آزمون